

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعهدنامه



دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی

دانشکده علوم انسانی

بررسی تطبیقی آراء ابوالحسن اشعری، قاضی عبد الجبار

معتزلی و خواجه نصیر الدین طوسی پیرامون مساله

تکلیف

نگارش:

مهدی اصغری

استاد راهنما:

دکتر عین الله خادمی

استاد مشاور:

دکتر علی اکبر شایسته نژاد

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فلسفه و حکمت اسلامی

اسفند ۱۳۹۰



تاییدیه

تقديم:

این تلاش ناچیز را تقدیم می کنم به ساحت یگانه عبد عالم، حضرت ختمی مرتبت و همچنین به سلاله  
ی امجدش و خصوصا به آن یگانه سبب متصل بین آسمان و زمین « عجل الله تعالی فرجه الشریف »

تقدیر و تشکر

به مصداق فرمایش «أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ» حمد بی حد خود را به ذات اقدسش تقدیم می کنم و بعد از پدر و مادر، و همچنین از همسرم که در تمام مراحل، همراه و مشوق این حقیر بوده است سپاسگزارم. و همچنین از استاد بزرگوار دکتر خادمی و سایر مسولین دانشگاه که بنده مدیون زحمات ایشان هستم، سپاسگزارم

## چکیده

این نوشتار با بررسی دیدگاه‌های سه مکتب عمده ی کلامی ( اشعری، معتزلی، شیعی) درباره ی تکلیف، به بررسی مبانی و اطوار گوناگون این بحث می پردازد و کوشش می کند با مطالعه و کنکاش در آراء سه متکلم بزرگ - ابوالحسن اشعری، قاضی عبد الجبار معتزلی و خواجه نصیر الدین طوسی - به تبیین و مقایسه ی نظریات آنها پیرامون تکلیف بپردازد. در بحث تکلیف میان متکلمین عدلیه (قاضی عبد الجبار و محقق طوسی) با اشعری اختلاف هست؛ و دلیل این اختلاف هم، متفاوت بودن روش معرفت شناسانه ی متکلمان یاد شده می باشد. امامیه با تاکید بر روش عقل گرایانه و برون متنی و اشاعره با در پیش گرفتن روش نص گرایانه و درون متنی و تعبد به متون دینی به بحث و نظر در این خصوص پرداخته اند. لغت تکلیف از " کلف " اخذ شده است و به فعلی اطلاق می شود که، در انجام آن سختی و مشقت داشته باشد. در هر فعل تکلیفی سه موضوع مشهود است:

۱- تکلیف کننده یا مکلف ۲- تکلیف پذیر یا مکلف ۳- فعل تکلیفی .

مصدق واقعی مکلف پروردگار متعال می باشد و تکلیف در واقع " امر و اراده ی " او می باشد. این امر و اراده ناظر به مصالح مکلف است و مکلف با وجود سختی انجام فعل ، آن را انجام داده و مستحق ثواب می گردد ؛ تعبیر متکلمین از این مساله "تعریض به ثواب" می باشد. رسیدن به ثواب ، منفعت بزرگی است که مکلف بواسطه ی آن مورد مدح و ستایش واقع می شود. البته این مساله ( تعریض به ثواب و استحقاق ) مورد توجه اشعری نمی باشد.

در مورد ضرورت وجود تکلیف این مساله مطرح شده که، خداوند به جهت عادل بودن و حکیم بودن، لازم است انسان را به اموری که تکلیف نام دارد، مکلف نماید؛ چون در غیر این حالت خداوند مرتکب قبیح شده است. در مساله ی حاضر خواجه وقاضی اتفاق نظر دارند اما اشعری بایسته بودن تکلیف را قبول ندارد.

در مورد محاسن تکلیف کار کرد های مختلف فردی و اجتماعی ذکر شده است. حسن تکلیف بی ارتباط با بحث حسن و قبح نیست ؛ خواجه وقاضی علاقه مند حسن و قبح عقلی هستند ، یعنی حسن و قبح افعال ذاتی است و در نهاد پدیده ها موجود است ، اما اشعری بر خلاف این معتقد به حسن و قبح شرعی هست، یعنی شرع حسن و قبح افعال را تعیین می کند. اعتقاد به حسن و قبح شرعی باعث یک نظریه ی متفاوت در بین اشاعره شده است ، این مساله جایز بودن تکلیف کافر و تکلیف فوق توان مکلف ( ما لا یطاق ) است



،اما قاضی وخواجه مخالف این نظر می باشند.در واقع یکی از شروط تکلیف که، توانمند بودن مکلف است با این شرط نقض شده است.

کلید واژه : تکلیف ، تعریض به ثواب،اراده ،ما لا یطاق

فصل اول کلیات تحقیق.....	۱
۱-۱- مقدمه.....	۲
۱-۲- بخش اول: بیان مسأله ی واهداف.....	۲
۱-۲-۱- بیان مسأله.....	۲
۱-۲-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۳
۱-۲-۳- پرسشهای تحقیق.....	۳
۱-۲-۴- اهداف تحقیق.....	۴
۱-۲-۵- فرضیه های تحقیق .....	۴
۱-۲-۶- روش تحقیق.....	۵
۱-۲-۷- ابزار گرد آوری داد ها.....	۵
۱-۳- بخش دوم تعریف کلید واژه ها.....	۵
۱-۳-۱- تکلیف از جهت لغوی.....	۵
۱-۳-۲- معنای اصطلاحی.....	۵
۱-۳-۲-۱- تکلیف از نظر اشعری .....	۵
۱-۳-۲-۲- تکلیف از نظر قاضی عبد الجبار معتزلی.....	۶
۱-۳-۲-۳- تکلیف از نظر خواجه نصیر الدین طوسی.....	۶
۱-۳-۲-۴- تکلیف ما لا یطاق.....	۶
۱-۳-۲-۱- معنای لغوی.....	۶
۱-۳-۲-۲- تکلیف ما لا یطاق از نظر ابو الحسن اشعری.....	۶
۱-۳-۲-۳- تکلیف ما لا یطاق از نظر قاضی عبد الجبار معتزلی.....	۶
۱-۳-۲-۴- تکلیف ما لا یطاق از نظر خواجه نصیر الدین طوسی.....	۷
۱-۴- پیشینه ی تحقیق.....	۷
۱-۴- الف: مقالات.....	۷
پایان نامه ها.....	۷
کتابها.....	۷

۸	فصل ۲ تکلیف از نظر ابو الحسن اشعری.....
۹	۲-۱- مقدمه.....
۱۰	۲-۱-۱- آثار اشعری.....
۱۱	۲-۱-۲- تفاوت‌های الابانه واللمع.....
۱۱	۲-۲- قدرت و اختیار انسان از منظر اشاعره.....
۱۲	۲-۲-۱- تفسیر نظریه کسب.....
۱۶	۲-۲-۲- دلایل اشاعره برای نظریه کسب.....
۱۶	۲-۲-۲-۱- دلیل اول:.....
۱۶	۲-۲-۲-۲- دلیل دوم:.....
۱۷	۲-۲-۲-۳- دلیل سوم:.....
۱۸	۲-۳- تکلیف از نظر اشعری.....
۱۸	۲-۳-۱- معنای تکلیف.....
۱۸	۲-۳-۱-۱- معنای لغوی.....
۱۸	۲-۳-۱-۲- معنای اصطلاحی.....
۱۹	۲-۳-۲- انواع تکلیف.....
۲۰	۲-۳-۳- حسن تکلیف.....
۲۰	۲-۴- حسن و قبح افعال از نظر اشعری.....
۲۰	۲-۴-۱- ملاکهای حسن و قبح.....
۲۱	۲-۴-۱-۱- حسن و قبح به اعتبار کمال و نقص برای انسان.....
۲۱	۲-۴-۱-۲- تناسب یا عدم تناسب با طبع انسان.....
۲۱	۲-۴-۱-۳- مصلحت یا مفسده ی موجود در افعال.....
۲۲	۲-۴-۱-۴- حسن و قبح به اعتبار شایستگی و ناشایستگی.....
۲۳	۲-۴-۲- دلایل اشاعره در انکار حسن و قبح عقلی.....
۲۳	۲-۴-۲-۱- دلایل عقلی.....
۲۳	۲-۴-۲-۱-۱- دلیل اول.....
۲۳	۲-۴-۲-۱-۲- دلیل دوم.....
۲۴	۲-۴-۲-۱-۲-۵- دلیل سوم.....

۲۵	۲-۲-۴-۲ - دلایل نقلی.....
۲۵	۲-۲-۴-۲ - ۱ - تکلیف ما لا یطاق.....
۲۸	۲-۴-۳ - ادله عدلیه در رد تکلیف ما لا یطاق.....
۲۹	۲-۵ - ضرورت و وجوب تکلیف.....
۲۹	۲-۶ - شروط تکلیف.....
۳۰	۲-۶-۱ - شروط مکلف.....
۳۰	۲-۶-۲ - شروط مکلف.....
۳۱	۲-۶-۳ - شروط فعل.....
۳۱	۲-۷ - ترتیب تکالیف از نظر اشاعره.....
۳۲	نتیجه.....

### فصل ۳

۳۳	تکلیف از نظر قاضی عبد الجبار معتزلی.....
۳۴	۳-۱ - مقدمه.....
۳۶	۳-۲ - تعریف تکلیف.....
۴۰	۳-۳ - مبانی تکلیف.....
۴۱	۳-۳-۱ - عدل.....
۴۱	۳-۳-۲ - لطف و تکلیف.....
۴۲	۳-۳-۲-۱ - وجوه لطف الهی.....
۴۲	۳-۴ - حکمت تکلیف.....
۴۲	۳-۴-۱ - نفع تفضلی.....
۴۲	۳-۴-۲ - نفع استحقاقی.....
۴۳	۳-۴-۳ - نفع موجود در تکلیف.....
۴۴	۳-۵ - ارتباط حسن و قبح عقلی با تکلیف.....
۴۴	۳-۵-۱ - حسن افعال از نظر قاضی.....
۴۵	۳-۵-۲ - قبح افعال، از نظر قاضی.....
۴۵	۳-۶ - قاعده اصلح.....

- ۳-۷-شرایط صحت تکلیف.....۴۷
- ۳-۷-۱-شروط تکلیف کننده.....۴۷
- ۳-۷-۱-۱-عالم بودن.....۴۷
- ۳-۷-۱-۲-ایجاد اسباب و آلت.....۴۷
- ۳-۷-۱-۳-تقدم زمان.....۴۸
- ۳-۷-۱-۴-لزوم وجود غرض در افعال باری تعالی.....۴۸
- ۳-۷-۱-۵-قادر بودن.....۴۸
- ۳-۷-۲-شروط تکلیف پذیر یا مکلف.....۴۹
- ۳-۷-۲-۱-قدرت داشتن.....۴۹
- ۳-۷-۲-۲-علم مکلف.....۴۹
- ۳-۷-۳-شروط فعل.....۴۹
- ۳-۷-۳-۱-داشتن جنبه استحقاق.....۴۹
- ۳-۷-۳-۲-خالی بودن از ضرر محض.....۵۰
- ۳-۸-وجوب تکلیف.....۵۰
- ۳-۹-تکلیف کافر.....۵۰
- نتیجه.....۵۱
- فصل ۴- تکلیف از نظر خواجه نصیر الدین طوسی.....۵۲
- ۴-۱-مقدمه.....۵۳
- ۴-۲-معنای اصطلاحی تکلیف.....۵۴
- ۴-۳-حسن تکلیف.....۵۶
- ۴-۳-۱-حسن تکلیف از نظر متکلمین.....۵۷
- ۴-۳-۲-حسن تکلیف از نظر فلاسفه.....۵۸
- ۴-۳-۲-۱-دیدگاه حکما.....۵۸
- ۴-۳-۲-۲-دلیل دیگر برای حسن تکلیف از دیدگاه حکما.....۶۰
- ۴-۴-ایرادات تکلیف.....۶۱
- ۴-۴-۱-ایرادات مطرح شده در تجرید الاعتقاد.....۶۱
- ۴-۴-۲-ترابط یا تقابل حق و تکلیف.....۶۲

- ۶۲.....۴-۴-۲-۱- معنای لغوی واصطلاحی "حق".....
- ۶۳.....۴-۴-۲-۲- نظریه ی تقابل.....
- ۶۴.....۴-۴-۲-۳- حق و انسان.....
- ۶۴.....۴-۴-۲-۴- مقایسه ی تفکرات امانیستی با بحث تکلیف.....
- ۶۵.....۴-۵- حسن وقبح عقلی.....
- ۶۵.....۴-۵-۱- معنای لغوی.....
- ۶۵.....۴-۵-۲- تاریخچه ی بحث.....
- ۶۶.....۴-۵-۳- ملاک ها ی حسن وقبح ( معنای اصطلاحی).....
- ۶۶.....۴-۵-۱-۳- سازگاری وناسازگاری با طبع.....
- ۶۸.....۴-۵-۲-۳- کمال ونقص.....
- ۶۷.....۴-۵-۳-۳- مدح ومذمت.....
- ۶۸.....۴-۵-۴- دلایل حسن وقبح.....
- ۶۹.....۴-۵-۴-۱- دلایل عقلی.....
- ۶۹.....۴-۵-۴-۱-۱- بدهت:.....
- ۷۰.....۴-۵-۴-۱-۲- انتفاء.....
- ۷۰.....۴-۵-۴-۱-۳- دلیل سوم.....
- ۷۰.....۴-۵-۴-۱-۴- دلیل چهارم.....
- ۷۱.....۴-۵-۴-۲- دلایل نقلی.....
- ۷۱.....۴-۵-۵- تبیین قاعده حسن و قبح از جهت مصادیق.....
- ۷۲.....۴-۵-۵-۱- افعال دسته ی اول.....
- ۷۲.....۴-۵-۵-۲- افعال دسته ی دوم.....
- ۷۲.....۴-۵-۵-۱-۲- فعل مباح.....
- ۷۲.....۴-۵-۵-۲-۲- فعل واجب.....
- ۷۲.....۴-۵-۵-۳-۲- فعل مستحب.....
- ۷۲.....۴-۵-۵-۴-۲- فعل مکروه.....
- ۷۲.....۴-۵-۵-۵-۲- فعل حرام.....
- ۷۲.....۴-۶- ضرورت یا وجوب تکلیف.....

- ۷۳..... ۱-۶-۴- لطف خدا.....
- ۷۴..... ۱-۶-۴- ۱- لطف از جهت لغوی.....
- ۷۵..... ۱-۶-۴- ۲- معنای اصطلاحی لطف.....
- ۷۶..... ۱-۶-۴- ۱-۲- ۱- نکته اول.....
- ۷۶..... ۱-۶-۴- ۱-۲- ۲- نکته دوم.....
- ۷۶..... ۱-۶-۴- ۱-۲- ۳- نکته سوم.....
- ۷۶..... ۱-۶-۴- ۱-۲- ۴- نکته چهارم.....
- ۷۶..... ۱-۶-۴- ۱-۳- ۵- لطف مقرب.....
- ۷۶..... ۱-۶-۴- ۱-۲- ۶- لطف محصل.....
- ۷۷..... ۱-۶-۴- ۴- وجوب لطف از نظر خواجه.....
- ۷۸..... ۱-۶-۴- ۵- اقسام وجوب لطف به اعتبار فاعل.....
- ۷۸..... ۱-۶-۴- ۱-۵- ۱- بخش اول.....
- ۷۸..... ۱-۶-۴- ۲-۵- ۱- بخش دوم.....
- ۷۹..... ۱-۶-۴- ۶- شروط لطف.....
- ۸۰..... ۱-۶-۴- ۲- عدالت خدا.....
- ۸۰..... ۱-۶-۴- ۱-۲- معنای لغوی.....
- ۸۰..... ۱-۶-۴- ۲-۲- معنای اصطلاحی.....
- ۸۱..... ۱-۶-۴- ۳-۲- دلایل تنزیه خداوند از قبیح.....
- ۸۱..... ۱-۶-۴- ۱-۳- ۲- استغناء حق تعالی از فعل قبیح.....
- ۸۱..... ۱-۶-۴- ۲-۳- ۲- علم خداوند به قبیح قبیح.....
- ۸۲..... ۱-۶-۴- ۳- حکمت خدا.....
- ۸۲..... ۱-۶-۴- ۱-۳- حکمت از جهت لغوی.....
- ۸۳..... ۱-۶-۴- ۲-۳- معنای اصطلاحی متکلمین.....
- ۸۴..... ۱-۶-۴- ۳-۳- جایگاه بحث غایتمندی افعال در فلسفه.....
- ۸۵..... ۱-۶-۴- ۱-۳- ۳- نظر فلاسفه درباره مفهوم غایت و اقسام مختلف آن.....
- ۸۵..... ۱-۶-۴- ۱-۱- ۳- ۳- دلیل فلاسفه.....
- ۸۷..... ۱-۶-۴- ۴- ۳- ارتباط بحث حکمت با عدل.....

- ۷-۴ - شرایط حسن تکلیف . . . . . ۸۷
- ۷-۴ - ۱- اموری که به خود تکلیف مرتبند..... ۸۷
- ۷-۴ - ۱-۱ - شرط اول..... ۸۷
- ۷-۴ - ۲-۱ - شرط دوم..... ۸۷
- ۷-۴ - ۲- امور مربوط به متعلق تکلیف یعنی فعل..... ۸۷
- ۷-۴ - ۱-۲ - شرط اول..... ۸۷
- ۷-۴ - ۲-۲ - شرط دوم..... ۸۷
- ۷-۴ - ۳- شرایطی که به مکلف مربوط هستند. .... ۸۸
- ۷-۴ - ۱-۳ - شرط اول..... ۸۸
- ۷-۴ - ۲-۳ - شرط دوم ..... ۸۸
- ۷-۴ - ۳-۳ - شرط سوم..... ۸۸
- ۷-۴ - ۴-۳ - شرط چهارم..... ۸۸
- ۷-۴ - ۴- اموری که به مکلف شرط شده اند..... ۸۸
- ۷-۴ - ۱-۴ - شرط اول ..... ۸۸
- ۷-۴ - ۲-۴ - شرط دوم..... ۸۸
- ۷-۴ - ۵- تکلیف ما لا یطاق..... ۸۸
- ۸-۴ - متعلق تکلیف..... ۸۹
- ۹-۴ - انقطاع تکلیف..... ۹۰
- ۱۰-۴ - تکلیف کافر..... ۹۰
- نتیجه..... ۹۱

## فصل ۵

- ۱-۵- مقدمه:..... ۹۳
- ۲-۵- مساله اختیار در آراء اشعری ، عبد الجبار ، محقق وطوسی..... ۹۴
- ۱-۲-۵- نظر اشعری در موضوع اختیار..... ۹۴
- ۲-۲-۵- نظر قاضی عبد الجبار در موضوع اختیار..... ۹۴



- ۹۵ ..... ۱-۲-۲-۵ - نقد نظریه تفویض
- ۹۶ ..... ۳-۲-۵- نظریه شیعه (خواجه) پیرامون اختیار
- ۹۶ ..... ۳-۵-۵- مقایسه آراء پیرامون تکلیف
- ۹۶ ..... ۱-۳-۵- معنای اصطلاحی تکلیف
- ۹۷ ..... ۲-۳-۵- حسن تکلیف
- ۹۹ ..... ۳-۳-۵- حسن و قبح
- ۱۰۰ ..... ۴-۴-۵- وجوب تکلیف
- ۱۰۰ ..... ۵-۴-۵- تکلیف ما لا یطاق
- ۱۰۱ ..... نتیجه

# فصل اول

## کلیات تحقیق

## ۱-۱- مقدمه

نوع نگاه بشر به جهان هستی بستر دید گاهها و روشهایی هست که، انسان در پیش گرفته و می خواهد که زند گانیش را بواسطه آن معنی بخشد. نگاه ادیان توحیدی به جهان هستی و هویت واقعی انسان، بیان الزامات و دستورات خاصی است که، برای سعادت دنیوی و اخروی انسان پیش بینی و طراحی نموده اند، این دستورات، مطابق با دو بعد جسمانی و روحانی انسان هست و ما این امور را تکلیف ؛ و در قالبی کلی تر، دین می نامیم.

انسان به عنوان یگانه موجود شایسته برای خلافت الهی، مزین به امانتهایی است که حضرت حق در نهاد انسان به ودیعت گذاشته است. این خلقت خاص با ویژگیها و مختصات خاص تبلور حکمت بی منتهای حضرت حق تعالی است. اما انسان برای سیر به غایت هستی علاوه بر این امانتها نیازمند هدایت الهی است، هدایت الهی برای بشر در قالب عناوینی است که ما آن را تکلیف می نامیم. تبعیت از تکالیف، هر چند برای انسان سخت و مشقت دارد، اما در راستای لطف و رحمت بی منتهای حضرت حق می باشد، و البته طی مسیر بدون تبعیت از این تکالیف میسر نخواهد بود.

## ۱-۲- بیان مساله

یکی از مباحث جدی در علم کلام اسلامی بحث تکلیف می باشد. این بحث ارتباط محکمی با حوزه ی مختلف معرفتی مثل حکمت آفرینش، اختیار مند بودن انسان و مصلحتهای نظام تکوین و تشریح دارد. متکلمان تنها اندیشمندانی نیستند که، در این حوزه به بحث و نظر پرداخته اند بلکه این موضوع در سایر علوم مثل فقه و فلسفه نیز بحث شده است. متکلمان تکلیف را امر و اراده ی خداوند برای انسان دانسته اند (عبدالجبار، ۱۹۶۲، ج ۱۱، ص ۲۹۵) انجام این اراده برای انسان سختی و مشقت دارد (حلی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۹)، اما تحمل این مشقت برای رسیدن به پاداش یا ثواب الهی است. متکلمان عدلیه با عنایت به این موضوع، تکلیف را به مصلحت انسان دانسته اند. اما متکلمان اشعری منکر هر گونه مصلحت و استحقاق ثواب برای انسان می باشند. (طوسی، ۱۴۱۳، ص ۶۱ و حلی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۹ و سبحانی، ۱۴۲۸، ص ۱۱۵) تکلیف علاوه بر ابعاد فردی کارکردهای اجتماعی نیز دارد، که این کار کرد ها مورد توجه فلاسفه نیز واقع شده است. (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۱۲) متکلمان در بحث تکلیف شروطی را برای مکلف و مکلف قائل شده اند که بدون این شروط صحت تکلیف خدشه دار می شود از این شروط می توان به عالم بودن و قادر بودن مکلف و مکلف اشاره کرد یعنی تکلیف کننده باید به شرایط فعل آگاهی داشته باشد و بتواند پاداش یا عقاب مورد نظر اعطا کند (عبد الجبار، ۱۹۶۲، ج ۱۱، ص ۴۰۷) و تکلیف پذیر هم بایستی از شرایط انجام فعل آگاهی داشته باشد و قادر به انجام آن باشد. قادر بودن مکلف از

شروطی است که اشاعره منکر آن هستند وقائل به تکلیف ما لا یطاق می باشند. ( غزالی، ۱۴۰۹، ص ۱۱۲) متکلمین عدلیه به وجوب تکلیف معتقدند و اشاعره به جواز تکلیف قائل هستند. دلیل وجوب در نزد متکلمان عدلیه، حکمت و عدل خداوند می باشد. ایشان بر اساس این دو اصل اعتقاد دارند که خدای تعالی مرتکب قبیح نمی شود و اگر خداوند انسان را مکلف نکند مرتکب قبیح شده است. متکلمان اشعری در مقابل این نظر هستند و ساحت حق را از هر گونه بحث در پیرامون قبیح بودن یا غرض مند افعال مبرا می دانند.

در تحقیق حاضر در صدد واکاوی این مسائل هستیم که:

مقصود از تکلیف و حکمت آن از نظر ابو الحسن اشعری و قاضی عبد الجبار معتزلی و خواجه نصیر الدین طوسی چه می باشد؟

ضرورت تکلیف و محاسن آن از نظر ابو الحسن اشعری و قاضی عبد الجبار معتزلی و خواجه نصیر الدین طوسی چیست؟

ابو الحسن اشعری و قاضی عبد الجبار و خواجه نصیر الدین طوسی در مورد شقوق مباحث تکلیف چه اظهاراتی دارند؟

#### ۱-۲-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

مکلف بودن انسان در ادیان الهی یک موضوع غیر قابل انکار است؛ انسان دینی یک انسان مکلف است اما سختی تکلیف و از طرفی پیشرفتهای روز افزون علوم و خصوصا رواج قرائتهای مختلف در مساله تکلیف، سوالات و ابهامات زیادی را برای انسان مطرح نموده است نگاه انسان معاصر نسبت به این مقوله والتزام وی به الزامات شریعت و نسبت تکلیف با حق، حساسیت این قضیه را بیشتر نموده است. در عین اینکه در جستار حاضر به موضوع تکلیف پرداخته شده، منتهی نظریات نمایندگان سه مکتب عمده ی کلامی یعنی اشاعره و معتزله و شیعه، در خصوص تکلیف و تطبیق آراء آنها مورد توجه نگارنده می باشد.

#### ۱-۲-۳- پرسشهای تحقیق

۱- نظریات و عقاید ابوالحسن اشعری و قاضی عبد الجبار و خواجه طوسی در مورد تکلیف چیست؟

۲- حکمت تکلیف در آراء این سه شخصیت چیست؟

۳- تکلیف ما لا یطاق در آراء قاضی عبد الجبار معتزلی و ابوالحسن اشعری و خواجه نصیر الدین طوسی به چه معنا است؟

۴- تکلیف چه حسنی دارد؟ و چرا ضروری است؟